

آتشی در قلم

قصه‌های گُردی

روایت شده از سوی: دیان ادجکامب

با همکاری: محمد م. احمد - چتو اوزل

ترجمه‌ی: دکتر سیاروش مهدی

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران (مرکزگیشان)



اجکامب، دایان Edgecomb, Diane

آتش در قلم: قصه‌های کردی / روایت شده از سوی دیان ادجکامب.

با همکاری محمد م. احمد، چتو اوزل؛ ترجمه‌ی سیاوش مرشدی.

تهران: نشر فرجامین سخن، ۲۲۴ ص. ۵.۱۴ × ۵.۲۱ س.م.

ISBN - 978 - 600 - 99688 - 9 - 3

فیپا.

A fire in my heart: kurdish tales, 2007

عنوان اصلی:

قصه‌های کردی.

Legends, Kurdistan

افسانه‌ها و قصه‌های کردی

Kurds - Folklore

کردان - فرهنگ عامه

Özel, Çeto احمد، محمد - اوزل، چتو

مرشدی، سیاوش، ۱۳۶۲ - مترجم.

رده‌بندی دیویی: ۸۹۹/۲۳

PIR۳۲۵۶

رده‌بندی کنگره: ۵۷۸۷۸۲۵

کتابشناسی ملی: ۵۷۸۷۸۲۵



فرجامین سخن

آتش در قلم

قصه‌های کردی

روایت شده از دیان ادجکامب

با همکاری: محمد م. احمد - چتو اوزل

ترجمه: مرشدی، سیاوش

ویراستار: منوچهری، ژاله

رسم الخط، حروفچینی و صفحه‌بندی: ف. داودی

طرح جلد: قشقایی، امیر

لیتوگرافی: ندا چاپ: فرشیه، صحافی: روشنگر

چاپ اول: ۱۳۹۸ شمارگان: ۲۰۰

شابک: ۳-۹-۹۹۶۸۸-۶۰۰-۹۷۸-9-3-978-600-99688

فرجامین سخن: تهران، خیابان دانشگاه، پلاک ۶۸ تلفکس: ۶۶۴۱۸۹۱۱

Email: farjaminsokhan@gmail.com

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

قیمت: ۴۵۰۰۰۰ ریال

۹		سپاسگزاری
۱۱		پیشگفتار نویسنده
۱۹		پیشگفتار مترجم
۲۳		داستان‌های کوهستان
۲۳		آرازات بزرگ و آرازات کوچک
۲۵		داستان‌های آسمان
۲۵		چرا خورشید روز می‌آید و ماه شب
۲۶		راه کاه دزد
۲۸		چرا ماه خال‌های تیره دارد
۳۱		داستان‌های پرندگان و جانوران
۳۱		پیوک: ریشه‌ی فاخته (فاخته از کجا آمده است)
۳۴		چگونه جغد به وجود آمد
۳۵		چرا زاغچه دم بلند دارد
۳۶		داستان خرس و مو: هیرچ و پیرچ

۴۱	قصه‌های روباه!
۴۲	روباه و لک لک
۴۸	و روباه دمش پشتش خواهد بود
۵۲	یک روباه شیر نیست
۵۷	روباه به زیارت می‌رود
۶۲	روباه سبد ساز!
۶۹	داستان‌های شگفت انگیز
۶۹	تنه‌سار درخت باستانی
۸۵	ایمان سینه لای کرد
۹۵	درخت ری و شهین‌آبی
۱۱۱	خواهری با هفت برادر
۱۱۹	افسانه‌ها و شخصیت‌های حماسی
۱۱۹	کاوه و زایش جشن نوروز
۱۲۳	رواجی شکارچی
۱۲۹	افسانه‌ی شاهماران
۱۳۹	روستم زال
۱۶۵	داستان‌های خنده دار
۱۶۵	بزرگ‌ترین دروغ
۱۷۲	سه خر مثل شما!
۱۷۸	موختارو
۱۸۳	ارباب خوشبختی
۱۸۹	گوسفندی که از گله سرگردان شود

- ۱۹۵ قصه‌های آموزنده
- ۱۹۵ معنای زندگی
- ۱۹۷ چشمان یک گربه
- ۲۰۰ مار بزرگ و مرد
- ۲۰۵ چوپانی که بسیار دروغ می‌گفت
- ۲۰۸ گرگ کنار در
- ۲۱۲ نه شیر شیرین، نه زَرّ (طلا)
- ۲۱۵ استبارها و قدردانی‌ها
- ۲۱۷ درباره نویسنده و همکاران

www.ketab.ir

پیش‌گفتار نویسنده

زهدنگ کردن باستانی و غنی است و دربردارنده‌ی سرودها، پای کوبی، سازها، آوازها، زبان‌های بی‌شمار می‌شود که تاروکار معاصر در کردستان باقی‌مانده است و از روزگاری دور حکایت می‌کند. اگرچه پیشینه‌ی ادبیات کردن به روزگار پیش از اسلام باز می‌گردد، ولی نمونه‌های نوشتاری و مکتوب آن به روزگار پس از اسلام مربوط می‌شود و کم‌یاب هستند؛ مانند «وزین»^۱ از احمد خانی در سال ۱۶۹۵ م.، مولودا کوردی^۲، و شعر حماسی زمبیل فروش^۳ اثر مله احمدی باتیی^۴ (۱۴۱۷-۱۴۹۱ م.) و آثار شعری آن کرد مانند باباطاهر (۱۰۰۰-۱۰۵۶ م.)، علیه جرّی (۱۴۲۵-۱۴۹۰ م.)، فقیه طیران (۱۵۹۰-۱۶۶۰ م.) در مواردی، تنها تکه‌هایی از متون کهن‌تر باقی مانده است. مناطق کردنشین بیشتر مرکز جنگ‌ها میازان‌های اطراف بوده است. ارتش‌هایی که به این مناطق حمله می‌کردند کتابخانه‌ها و خانه‌هایی را که در آن‌ها کتاب نگه‌داری می‌شد خراب

۱. Mem û Zîn (م و زین مخفف محمد و زینت است که دو دلداده‌ی کرد هستند و جنبه‌های غنایی و حماسی در این حماسه در کنار یکدیگر وجود دارد).

2. Mewluda Kurdi

3. Zembîlftosh

4. Mele Ehmede Bateyî

می‌کردند. در این روزگار سیاست‌های نامناسب باعث شده است که بیشتر کردها بیشتر از پیش مجبور به صیانت از زندگی خود باشند تا حفظ سنت‌های باستان خود. کردان با وجود جبر روزگاران و بلایای گوناگون در طول تاریخ خود را حفظ کرده‌اند، و گاهی مجبور به تبعید اجباری از موطن خود شده‌اند....

بسیاری از داستان‌های این کتاب از مناطق کردنشین ترکیه جمع‌آوری شده است، منطقه‌ای که جریان‌های روشنفکری روز به روز در حال رشد است، و این جریان از سال ۱۹۲۳ م. که جمهوری ترکیه تأسیس شد، آغاز گشت... فرهنگ کردی بیشتر در میان نسل کهنسال و مسرت‌تر وجود دارد. در این مناطق خوانندگان محلی که به آن‌ها «دنگ بیژ»^۱ می‌گویند به کردی آوازی می‌خوانند و افرادی هستند که با صدای بلند، نثرها را روایت می‌کنند که به آن‌ها «چیروک بیژ»^۲ می‌گویند در میان این افراد است که شما می‌توانید افسانه‌های کهن، قصه‌های عایانه و سرودهای آهنگین حماسی را پیدا کنید که از میان سده‌های طولانی تا به امروز به یادگار مانده است. تاریخ در این حماسه‌های آهنگین و مین‌زدگی می‌کند. تاریخ، بیشتر در این داستان‌های موزون است که تجلی می‌یابد، به طوری که «دنگ بیژ» از طریق این داستان‌ها، رویدادهای تاریخی را زنده می‌کند. قصه‌های دلیرانه افسانه‌هایی می‌شوند که به صورت شعر و شکل نمایشنامه در می‌آیند.

من به خوبی یادم می‌آید که در این قصه‌ها که به صورت سنتی

1. dengbêj

۲. çirokbêj (در زبان کوردی «چیروک» یا «چیروکه» به معنای داستان‌هایی است که به صورت منظوم و منثور و بیشتر با آواز خوانده می‌شود. گویا استاد بهرام بیضایی در فیلم سینمایی چریکه‌ی تارا از واژه «چریکه» در همان معنای کوردی «چیروک» استفاده کرده است. م. (س. م.)

روایت می‌شد در روستاهایی ساده در بالای کوه این موارد را شاهد بودم. تا همین اواخر، این روستاها از تجهیزات مدرن و برق بی‌نصیب بود، تلویزیون هم نبود. برای همین خاطر، یکی از بزرگ‌ترین لذت‌ها، جمع شدن در کنار هم و خواندن داستان‌ها و به اشتراک گذاشتن آن‌ها بود. داستان‌ها در طول شب‌های طولانی زمستانی روایت می‌شد، زیرا زمانی مناسب بود که در کنار کار به این تفریح استراحت بیش از سه ساعت دیگر بپردازند. بسیاری از کردان می‌تواند برای شما چنین زمان‌هایی را یادآوری کنند. برای میلیون‌ها کرد که در سراسر دنیا پراکنده‌اند، این یادآوری‌ها جایگاهی ویژه و عمیق در قلب‌شان دارد.

پس از روزی طولانی که در آن از چهارپایان نگهداری و تیمار کرده‌اند و آن‌ها را از اربلی به چراگاه برده‌اند، روستاییان یکی یکی به خانه باز می‌گردند. آن‌ها همه با هم بافتنی، و شلوارهای خیس‌شان را در می‌آورند؛ دست‌ان، صورت و لباس‌شان را می‌شویند؛ و چشم به راه و منتظر اعضای دیگر خانواده می‌شوند که با هم خوراک‌هایی مانند تیرشیک، کله دوش^۱، یا دوهین^۲ (نوعی آش ماست) بخورند. ترکیب‌های این خوراکی‌ها از گیاهان خشک شده است که از کوهستان در تابستان جمع‌آوری شده که آن‌ها را با چرب‌بخت، مغزها، ماست، و گاهی گوشت مخلوط می‌کنند. هنگامی که در آن‌جا مهمان می‌شدم، تیرشیک، خوراک‌ای محبوب بود که همیشه با آن از مهمان‌ها پذیرایی می‌شد. تیرشیک در بردارنده‌ی کیفیت^۳ (کوفته که با

۱. در بعضی مناطق ایران، مانند رفسنجان (در استان کرمان، واقع در جنوب شرقی کشورمان ایران)، به آن «کله جوش» می‌گویند.

گردو یا گوشت پر می شود) و با پیاز حسابی، سماق، نخود، خمیر سیب زمینی، ادویه کاری، و سبزی های معطر کوهستان کباب است. ما همیشه می دانیم که مهمانی که به خانه ی میزبان می رسد، فضای آن جا پر از رایحه ی دلپذیر و عالی کاری است.

در هنگام بعد از ظهر، همه ی اعضای خانواده در کنار هم جمع می شوند و بر تکه فرشی بافته شده می نشینند. نه تنها اعضای نزدیک خانواده بلکه اعضای دورتر خانواده جمع می شوند، که بیشتر آن ها در آن نزدیکی زندگی می کنند یا در همان طبقه. یک تکه ی بزرگ نان لواشه (لواش) که از گندم های محلی تهیه و در تنور پخته می شود، به همه ی افراد داده می شود، و خوردن شام آغاز می شود.

پس از خوردن شام طبق معمول، چایی نوشیده می شود و سپس به دنبال کسی می روند که آن ها را در شب زمستان سرگرم کند. بیشتر بازی «گوستیلانه»^۲ انجام می شود. بازی ای گروهی است که در آن حلقه یا شی دیگر در زیر پوست گردو پنهان می شود. سپس، این بازی با کلی خنده ادامه پیدا می کند، و در طی آن هر گروه تلاش می کند تا ببیند که حلقه در زیر کدام پوست پنهان شده است. برخی ممکن است شطرنج بازی کنند، یا داما^۳ (بازی چکرز)، برخی ممکن است حضورشان را در آن مهمانی پایان بدهند و آن را سرروستای دیگر و در مهمانی دیگر ادامه بدهند، و حتی اگر طوفان برف باشد به روستای دیگر بروند تا قصه ها را از راوی داستانی دیگر بشنوند. هیچ کسی توقع دعوت برای رفتن به خانه ی دیگری را ندارد. در این روستاهای کوچک همه یکدیگر را می شناسند، و همیشه به مهمان ها خوشامد

1. lavashe

2. gustilane

3. dama

گفته می‌شود. به راستی، ورود تازه واردان‌ها را خوشحال می‌کند و مهمانداری مایه‌ی سرخوشی آن‌هاست. انتظار می‌رود که میوان^۱ (مهمان) کمینه (حداقل) یک روز در چند خانه‌ی گوناگون بماند.

گاهی هنگامی که راوی قصه از منطقه و استانی دیگر به دیدن آن‌ها می‌آید، در این مورد خاص همه‌ی روستا در یک‌جا جمع می‌شوند. بزرگ‌ترین خانه اغلب، برای شنیدن داستان‌های جدیدی که به احتمال بسیار مهمان با خود دارد، انتخاب می‌شود. داستان‌ها به صورت معمول، در اتاقی روایت می‌شوند که به زیبایی و متناسب طراحی شده است. چراغی روشن که به آن «لوخ»^۲ می‌گویند، برای راوی داستان آرد می‌شود و افراد به متکا تکیه می‌دهند، حلقه‌ای دور راوی داستان تشکیل می‌دهند و روی فرش‌های رنگارنگ و دست‌باف می‌نشینند. پستی‌های بزرگ هم پشت‌شان قرار دارد. برای گرمایش، بخاری‌ای چوبی در وسط اتاق وجود دارد. راوی قصه بایستی در جای وسط بشیند به طوری که همه‌ی شنوندگان هنگامی که او داستان می‌خواند، بتوانند او را ببینند. راوی داستان آوازه‌هایی هم به همراه قصه‌ها می‌خواند، گاهی حرکت مایه‌ی سایشی هم انجام می‌دهد. شنوندگان ممکن است که از راوی داستان (قصه‌گو) بخواهند که برای آن‌ها داستان مورد علاقه‌شان را یک داستان جدید راکه تا پیش از آن نشنیده‌اند، بگوید و روایت کند.

روایت داستان ممکن است که از ساعت هفت تا ساعت یازده و دوازده ادامه دارد. اگر داستان پایان نپذیرد، مخاطبان و شنوندگان داستان از او می‌خواهند که روز یا روزهای دیگر هم بیاید و داستان را ادامه دهد، به این شیوه همیشه منتظر ادامه‌ی داستان می‌مانند.

همان‌گونه که روزها سپری می‌شود، شنوندگان از شنیدن این حماسه‌ها لذت پایان ناپذیر می‌برند.

این گونه داستان‌ها بیشتر حول محور عشق و پهلوانی می‌گردد. هم‌چنین قصه‌های راست وجود داشته و رویدادهایی در طی جنگ‌ها اتفاق افتاده است که راوی قصه‌ها آن را بازخوانی می‌کند. هنگامی که قده‌گو داستان را روایت می‌کنند شنوندگان به طور معمول ساکت هستند. گاهی، با این حال شنوندگان با احساس همدردی کردن، ستایش و دشنام دادن به شخصیت‌ها احساس‌های خود را بیان می‌کنند. برخی حتی ممکن است در پایان تراژیک (غم‌انگیز و مصیبت‌بار) گه گریه کنند. شما این مسئله را تنها با دیدن اشک‌های آن‌ها می‌توانید متوجه شوید. بسیار اتفاق می‌افتد که کهنسال‌ترها از گوینده‌ی داستان پرسش‌هایی بکنند که این پرسش‌ها در خصوص نتیجه‌گیری داستان یا روشن کردن ارتباط‌های میان شخصیت‌ها باشد به گونه‌ای که خودش را در جزئیات داستان دخالت دهد. از زمانی که داستان‌ها روایت می‌شود زمان زیادی برای پرسش‌ها و از شنوندگان با صرف چایی و خوراک‌های حاضری مانند کبابی زمستانی که در برگ‌های بلوط نگه‌داری می‌شود، گردو، کنسرو عسل و کشک^۱ پذیرایی می‌شود.

برای هر شخص و هر موردی داستان‌هایی وجود دارد. برای نمونه، اگر فردی با دیگر به ناراستی و دغل رفتار کند، داستان اصل و ریشه‌ی لاک پشت ذکر می‌شود و چنین گفته می‌شود: «لاک پشت در واقع مردی بود که آسیابی داشت. او به مشتریان مقدار آرد کمتری از گندم و... که داده بودند می‌داد، به این صورت که کاسه‌ی اندازه‌گیری

را کوچک‌تر از وزن واقعی درست کرده بود. بنابراین خود^۱ (خدا) با قرار دادن آن کاسه در پشت او و تبدیل کردنش به لاک پشت برای همیشه او را مجازات کرد. زنان سالخورده از اعضای خانواده به طور معمول داستان‌های کوتاه جانوران را روایت می‌کنند^۲. تقریباً همه‌ی مادران یا مادر بزرگ‌های خانواده می‌توانند به کودکان داستان‌های کوتاه بگویند و بچه‌ها در دامن عمه یا یکی از اعضای سالخورده‌ی خانواده با شنیدن این داستان‌ها به خواب بروند، به صورتی که با روایت داستان، آن زن سالخورده به آرامی موهای ایشان را نوازش می‌دهد تا خوابشان ببرد.

هیچ‌کس آن شب ای دراز سفید را فراموش نمی‌کنم. همه‌جا، زمین‌ها، کوه‌ها و درختان بوند کاغذی سفید در شب‌های تاریک می‌درخشید.

سنت روایت داستان (داستان‌ویزی) با جشن و آوازهای فصلی و پای کوبی‌هایی که با ژرفایی خاص برای می‌شود، ادامه یافته است. امروزه، روستاهای کمی هستند که زبان و سنت کردی خود را حفظ کرده‌اند و بسیاری از روستاها دچار فراموشی شده‌اند و بسیاری از عناصر فرهنگی خود را فراموش کرده‌اند. بر اساس آمار رسمی از سوی هیئت نهاد حقوق بشر ملی ترکی پنج هزار روستا به طور کامل سوخته شده و این روستاها در این بیست سال آخری خالی از سکنه شده است. این آمار چهار هزار روستای دیگری را بازتاب نمی‌دهد که بر طبق «گروه بین‌المللی حقوق گروه‌های قومی» به دست رژیم بعثی

1. xwdê

۲. در میان اقوام دیگر ساکن ایران و خارج از ایران (ایران تاریخی) نیز چنین است چنان‌که در میان ترکمنان هم این رسم رایج است. (نک. جام زرین، قیوم تانگری قولیف، ترجمه نگارنده، نشر دنیای نو. ۱۳۹۳ داستان «جوجه تیغی». م. (س. م.)

صدام حسین تخریب شده‌اند. در نتیجه‌ی این خشونت‌ها و قساوت‌های قلبی، پنج میلیون کرد ساکن کردستان مجبور به کوچ چه در داخل سرزمین‌شان و چه خارج از کشور در سراسر جهان شده‌اند...

بسیاری از زبان‌ها و فرهنگ‌های باستانی هند و اروپایی نابود شده‌اند و زبان و فرهنگ باستانی کردی یکی از موارد معدود است که باقی مانده و این قوم [ایرانی] جمعیتی در حدود پنجاه میلیون نفر دارند که مانند همه‌ی مردم جهان از فرهنگ و زبان خویش لذت می‌برند. و نسبت به نگاه داشت آن حق دارند.

این داستان‌ها، اشعار، سرودها، سخنرانی‌های مذهبی، ادبیات و بافت زبان دست‌آورده‌ی روشنفکرانه‌ای از یک فرهنگ به شمار می‌رود که بازتاب دهنده‌ی بگانه و ممتازی از مشکلات اساسی شرایط بشری است. هنگامی که یک زبان ناپدید می‌شود، همه‌ی این اهداف و چشم‌اندازها، به هم می‌خوردند و حد اکثر میزانی که از این موارد تا به امروز باقی مانده از میان خواهند رفت. امیدوارم در این کتاب که داستان‌های عالی کردی جمع‌آوری و ارائه شده است در اختیار خوانندگان گنجینه‌ای عالی بگذارد که متعلق به همه بشر است. ما بر آن شدیم که این میراث فراموش شده و نامرئی را نمایان زنده کنیم.

چتو اوزال^۱

دسامبر ۲۰۰۶ م.